

تأثیر فرهنگ راهبردی بر تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۸

حسین سلیمی*

امین حجازی**

چکیده

تجربه نشان می‌دهد کشورهای با جایگاه بین‌المللی مشابه ولی سنت‌های فرهنگی متفاوت، در مقابل رویدادها و تحولات به روش یکسانی تصمیم‌گیری نمی‌کنند. این ناشی از آن است که فرهنگ راهبردی، نظام ارزشی در زمینه تصمیم‌گیری فراهم می‌کند که سیاست خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. براین اساس، در این مقاله تلاش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که فرهنگ راهبردی چگونه بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد؟ فرضیه نویسندگان مقاله این است که فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی از طریق تعریف هویت ملی ایرانی-اسلامی و نقش‌های ملی خاص، تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگ راهبردی، تصمیم‌گیری، سیاست خارجی، نقش ملی، هویت.

* استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

aminhejazi30@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و دوم ● شماره دوم ● تابستان ۱۳۹۸ ● شماره مسلسل ۸۴

مقدمه

تصمیم‌گیری^۱ فرایندی است که از طریق آن، راه‌حلی برای مسئله معینی انتخاب می‌شود و فرهنگ یکی از عناصری است که همیشه نفوذ بالقوه‌ای را در تصمیم‌گیری و عمل دارد (DeGroot & Others, 2008: 4). فرهنگ راهبردی از جمله عواملی است که گزینه‌های مناسب برای تصمیم‌گیری را تعریف می‌کند. مطالعات مرتبط با فرهنگ راهبردی نشان می‌دهد که کشورهایی با جایگاه بین‌المللی مشابه، اما سنت‌های فرهنگی متفاوت، در مقابل رویدادهای خارجی مشابه با روش‌های یکسان، تصمیم‌گیری نمی‌کنند (Rosa, 2014: 91). در واقع فرهنگ راهبردی یک نظام ارزشی در زمینه تصمیم‌گیری راهبردی فراهم می‌کند که این نظام ارزشی، سیاست خارجی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Moore, 1998). براین اساس، هنجارهای شکل دهنده به فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران بر رویکردهای این کشور در تصمیم‌گیری سیاست خارجی مؤثر است (زهرانی و شیراوند، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

بنابراین، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران باتوجه‌به هنجارهایی خاصی که در آن وجود دارد، تصمیم‌گیری خاصی را ایجاب می‌کند. این امر که مستقیماً از هویت ملی کشور تأثیر می‌پذیرد، بر نقش و مسئولیت و رسالتی که جمهوری اسلامی ایران برای خود در صحنه جهانی تعریف می‌کند، مؤثر است. به‌طور کلی، مسئله تحقیق حاضر این است که چگونگی تأثیر فرهنگ راهبردی بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با رویکردی سازه‌انگارانه مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و درصدد است به این سؤال پردازد که فرهنگ راهبردی چگونه بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است؟ فرضیه محققان این است که هنجارهای خاص فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران با تأثیرگذاری بر نگرش نخبگان و تصمیم‌گیران، از طریق تعریف هویت ملی ایرانی-اسلامی و نقش‌های ملی خاص (دولت مستقل و دولت رسالت‌گرا) و مطابق با منطق تناسب، بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. در این مقاله، فرهنگ راهبردی به‌عنوان متغیر مستقل، هویت و نقش‌های ملی به‌عنوان متغیر میانجی و تصمیم‌گیری

سیاست خارجی به‌عنوان متغیر وابسته تلقی می‌شود و برای بررسی تأثیر فرهنگ راهبردی بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نظریه سازه‌نگاری استفاده شده است. برای بررسی فرضیه تحقیق، از روش کتابخانه‌ای یا اسنادی استفاده شده است و ابتدا مفروضات و گزاره‌های اصلی نظریه فرهنگ راهبردی بیان می‌شود. سپس، منابع شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران واکاوی می‌شود و در ادامه، هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران که در تصمیم‌گیری و رفتار سیاست خارجی این کشور تأثیر می‌گذارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، چگونگی تأثیر فرهنگ راهبردی بر هویت و نقش ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود و در ادامه، چگونگی تأثیر فرهنگ راهبردی بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر منطق تناسب بیان می‌شود.

الف. فرهنگ راهبردی

فرهنگ راهبردی یک نظام ارزشی است که مفروضات، باورها و نگرش‌های اعضای یک گروه در خصوص استفاده از زور به‌عنوان یک ابزار سیاست در روابط بین‌الملل را فراهم می‌کند. در نتیجه، فرهنگ راهبردی، تصمیم‌ها و رفتارهای سیاسی و امنیتی یک دولت را هدایت می‌کند (Moore, 1998: 10). کالین گری^۱ فرهنگ راهبردی را «حالت فکر و عمل باتوجه‌به قدرت» تعریف می‌کند که از درک تجربیات تاریخی ملی حاصل می‌شود (Haesebrouck, 2016: 775). نظریه فرهنگ راهبردی با هدف درک بهتر تصمیم‌ها و رفتارهای منحصربه‌فرد کشورها در سطح جهانی و همچنین پیش‌بینی سیاست خارجی آنها در خصوص مسائل راهبردی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Feng, 2007: 2). در واقع، فرهنگ راهبردی به این سبب کانون توجه است که نشان می‌دهد کشورهای مختلف در حوزه مسائل راهبردی، به‌صورت متفاوت تصمیم‌گیری و رفتار می‌کنند (Gray, 2006: 8). بنابراین فرهنگ راهبردی با ارائه مبانی و زمینه‌های نگرش دولت در خصوص مسائل امنیتی خاص، بر تصمیم‌گیری و رفتار سیاسی کشور تأثیر می‌گذارد (Balamir, 2007: 75). بدین ترتیب، مفهوم فرهنگ راهبردی، نقطه شروع این واقعیت است که بسیاری از گزینه‌های سیاست راهبردی برای دولت‌ها وجود دارد،

1. Colin Gray

اما به نظر می‌رسد که دولت‌ها نوع خاصی از سیاست را ترجیح می‌دهند (Rasmussen, 2005: 70) به‌طور کلی، فرهنگ راهبردی به‌عنوان نماد نظام‌ها از دو بخش تشکیل می‌شود: بخش نخست متشکل از مفروضات اساسی دربارهٔ نظم و ترتیب محیط‌های راهبردی است که شامل موارد زیر می‌شود:

۱. نقش جنگ در امور انسانی و روابط بین‌الملل: اینکه جنگ، ناپه‌نچار قلمداد می‌شود یا گریزناپذیر. جنگ می‌تواند به‌عنوان یک ویژگی طبیعی در روابط بین‌الملل یا به‌عنوان یک اختلال در زمانی خاص تلقی شود؛

۲. ماهیت دشمن و تهدیدی که ایجاد می‌کند: یعنی اینکه نتیجه مقابله با دشمن، حاصل جمع صفر است یا حاصل جمع متغیر؛

۳. کارایی توسل به زور: توانایی کنترل و مهار تهدیدها و شرایطی که به‌کارگیری زور سودمند است و می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای دستیابی به اهداف کشور در نظر گرفته شود.

این مؤلفه‌ها روی هم‌رفته، پارادایم محوری فرهنگ راهبردی را تشکیل می‌دهند. بخش دوم فرهنگ راهبردی متشکل از مفروضاتی در سطح عملیاتی تر است؛ مفروضاتی در خصوص اینکه ثمربخش‌ترین گزینه‌ها برای مقابله با تهدیدها کدام‌اند (جانستن، ۱۳۹۰: ۳۶۰). در این بخش، ترجیح گزینه‌های راهبردی مختلف از جمله اقدام خشونت‌آمیز، اقدام دفاعی یا اقدام غیرنظامی بررسی می‌شود (Rosa, 2014: 92).

مفهوم فرهنگ راهبردی را از طریق رویکرد سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل که بر نقش ایده‌ها، هنجارها، هویت‌ها و جهان‌بینی برای درک چگونگی تفسیر واقعیت اجتماعی توسط بازیگران و برساختن منافع خود در امور بین‌المللی تأکید دارد، بهتر می‌توان درک کرد (Meyer, 2004: 3). زیرا نظریه سازه‌انگاری بیشتر متمرکز بر این است که دولت‌ها چگونه هویتی خاص و روایت‌های مربوط به آن را شناسایی می‌کنند. در نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها تصاویری از خود و تمایز با دیگران است که توسط یک بازیگر تعریف می‌شود و از طریق روابط با دیگران (و بازنگری در طول زمان) شکل می‌گیرد (Piet & Simão, 2016: 15). به‌عبارت دیگر، هویت در فرایندهای اجتماعی، خود را ایجاد و بازسازی می‌کند و مشخص

می‌نماید که «ما» کیستیم و «دیگران» چه کسانی هستند (Cook-Huffman, 2009: 19). بدین ترتیب، هویت دولت‌ها نه ثابت و نه تغییرناپذیر است و از یک دولت به دولت دیگر فرق می‌کند (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۴۷). هنجارها به‌عنوان عناصر فرهنگی و معنایی محیط‌های بین‌المللی یا داخلی دولت‌ها، به هویت هر دولت شکل می‌دهند و تغییرات در هویت دولت بر منافع و تصمیمات دولت‌ها تأثیر می‌نهند (چیرسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۶).

سازهانگاری رابطه هویت و منافع را به‌وسیله مفهوم «نقش» تحلیل می‌کند. نقش‌های ملی تأثیری مهم در تصمیم‌گیری سیاست خارجی دارد. هریک از دولت‌ها برای خود طرح نقشی را در نظام بین‌الملل در نظر می‌گیرند. این طرح نقش، ذهنیات دولت‌ها، ارزش‌ها و هنجارها و تصویری که از جهان دارند، انتظارات دنیای بیرون و رفتار مناسب در روابط بین‌الملل را در بر می‌گیرد (هرسیج و سیدی، ۱۳۸۶: ۱۷۸). بدین ترتیب، سازهانگاران تصمیم‌گیری و رفتار بازیگران سیاسی را با توجه به هویت و نقش بازیگران در جامعه تبیین می‌کنند (Lebow, 2008: 3). در نظریه سازهانگاری، دولت‌ها کنشگران اقتصادی که بر اساس منطق پیامد تصمیم‌گیری می‌کنند، در نظر گرفته نمی‌شوند؛ بلکه آنها کنشگر را در قالب الگوی انسان اجتماعی توصیف می‌کنند. الگوی تصمیم‌گیری انسان اجتماعی در قالب پرسش‌های زیر انجام می‌شود:

۱. من در چه موقعیتی (هویت) قرار دارم؟
۲. در این موقعیت، کدام یک از نقش‌های اجتماعی من موضوعیت دارد؟
۳. هر کدام از گزینه‌های رفتاری موجود تا چه اندازه با نقش اجتماعی من منطبق است؟
۴. مناسب‌ترین تصمیم و رفتار (با توجه به موقعیتم (هویت)، نقش‌هایم و گزینه‌های موجود) کدام است؟ (ریترگر، ۱۳۹۳: ۱۲۶)

براین اساس، توضیح سازهانگاران از تصمیم‌گیری دولت مبتنی بر منطق تناسب است. به این معنی که بازیگران، انسان‌هایی تصور می‌شوند که هویت‌ها و نقش‌های خاصی را در موقعیت‌های مختلف برجسته می‌کنند. در حقیقت، «منطق تناسب» بیانگر تصمیم و رفتار مبتنی بر قاعده‌مندی است که در آن کشورها انجام «کار درست» را در خصوص حداکثرسازی منافع خود ترجیح می‌دهند (Mohammad Nia, 2010: 151).

در رهیافت سازه‌انگارانه به فرهنگ راهبردی، هنجارهای تشکیل‌دهنده فرهنگ راهبردی هر کشور، هویت و منافع آن کشور را ایجاد و تعریف می‌کنند (Lauterbach, 2011: 63) به عبارتی، رویکرد فرهنگ راهبردی فرض می‌کند که منافع کشور در بستر موقت یا ثابتی از الگوی برداشت‌ها در خصوص نقش یک کشور در سیاست بین‌المللی ساخته می‌شود (Neumann & Henrikki, 2005: 6). بدین ترتیب، کشورهایی که در فرهنگ راهبردی خود دارای عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی خاصی در زمینه دفاع و امنیت هستند، سیاست خارجی متفاوتی را دنبال می‌نمایند. بنابراین فرهنگ راهبردی با تعریف هویت و نقش ملی، بر تصمیم‌گیری سیاسی کشور تأثیر می‌گذارد. (Balamir, 2007: 75) در واقع، فرهنگ راهبردی نقش یک متغیر مداخله‌گر را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی برای درک تصمیم‌گیری و رفتار کشورها ایفا می‌کند (Meyer, 2004).

ب. منابع و هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

۱. منابع فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران ریشه در فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی ایران دارد. «فرهنگ عمومی» حاکم بر جامعه در چارچوب خصوصیات، ایستارهای مشترک، سبک، روح و هویت ملی و «فرهنگ سیاسی» به عنوان نظام معنایی بین‌الذهانی زیربنای سیاست، بیانگر ارزش‌های سیاسی، ایستارها و ادراکات، باورها و اعتقادات، ایده‌ها و آرمان‌ها و دیدگاه‌ها و رویکردهای ایرانیان به سیاست، قدرت، جامعه و حکومت است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸-الف: ۲۲۷-۲۲۵). به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی آنان تأثیر گذارده است که دلیل مبرهن بودن آن، تناسب معنایی و محتوایی میان فرهنگ سیاسی و فرهنگ راهبردی ایرانیان است. در واقع، فرهنگ راهبردی ایرانیان در طول ممیزات فرهنگ سیاسی آنها شکل گرفته است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۲۰۲-۲۰۱). با توجه به اینکه باورها و نگرش‌های بین‌الذهانی برگرفته از تاریخ و مذهب، بنیان‌های فرهنگ عمومی و سیاسی ایرانیان را ایجاد می‌کند، بنابراین به تبع آن، محققان در این مقاله، منابع اصلی فرهنگ راهبردی

جمهوری اسلامی ایران را شامل اسلام شیعی، تجارب تاریخی ایرانیان، موقعیت ژئوپلیتیک و نظام بین‌الملل می‌دانند که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شود:

۱-۱. اسلام شیعی

فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران و مبانی هویت سیاسی در ایران را بدون توجه به عنصر مذهب، نمی‌توان مورد بررسی قرار داد. به عبارتی، گرایش به مذهب در هر شرایطی، یکی از اصلی‌ترین عناصر سازنده هویت ایرانیان بوده است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۴۳). اسلام نقش اساسی در فرهنگ راهبردی ایران ایفا می‌کند که شامل ایجاد یک محیط سیاسی با ساختار باورهای دینی، تلاش برای اعتبارسازی نه تنها در منطقه، بلکه در سطح بین‌الملل و مبارزه با نفوذ بین‌المللی ضد اسلام است (Strain, 1996: 22-23). در واقع، اسلام، یکی از مهم‌ترین درجه‌های فرهنگی است که از طریق آن سیاست‌مداران ایرانی، دیدگاه‌های خود را در خصوص نظام بین‌الملل بیان می‌کنند (DeGroot and others, 2008: 23). به عبارتی، تعالیم دینی در جمهوری اسلامی ایران، تعامل این کشور با جامعه بین‌المللی را از طریق مفاهیم و آموزه‌های قرآن هدایت می‌کند (Cain, 2002: 5) و اسلام شیعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل دادن به جهان‌بینی نخبگان تصمیم‌گیر در جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند (Stanley, 2006: 23).

۱-۲. تجارب تاریخی ایرانیان

ایران امروز بر پشتوانه‌ای از تاریخ قرار دارد که تقریباً ۳۰۰۰ سال قدمت دارد و هویت و غرور بسیار زیادی از این تداوم فرهنگی حاصل می‌شود (Giles, 2003: 146). ایرانیان با این سابقه بسیار طولانی به‌طور متداول یا مسلط بر دیگران بوده‌اند یا تحت سلطه قرار گرفته‌اند. بنابراین برای بررسی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نمی‌توان به اهمیت سی قرن تاریخ مردم ایران بی‌توجه بود (Howard, 2013: 27). از یک سو، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران محصول بررسی طیف وسیعی از تجربیات و واقعیت‌های عملی ایرانیان و خاطرات باشکوه ایران است که از اجداد خود به ارث برده‌اند (Stanley, 2006: 20-21). از سوی دیگر، خاطرات تاریخی ایرانیان مملو از نفوذ کشورهای خارجی و آسیب‌های آن برای کشور

است. بنابراین عوامل تاریخی در درک ایرانیان برای برقراری روابط با ابرقدرت‌ها تأثیر می‌گذارد (Haji-Yousefi, 2010: 16).

۳-۱. موقعیت ژئوپلیتیک

جغرافیای ایران نقش مهمی در تاریخ و تفکر راهبردی جمهوری اسلامی ایران دارد. فلات ایران که توسط کوه‌های زاگرس و البرز تشکیل شده است و بین دریای خزر در شمال و خلیج فارس در جنوب قرار دارد، از موقعیت بسیار ویژه‌ای در منطقه جنوب غربی آسیا است (3: 2015, McInnis). در واقع، فقط مرزهای شرقی کشور دارای وضعیت جغرافیایی واقعی برای محافظت از کشور هستند. این محدوده طبیعی نسبی «احساس یکپارچگی فیزیکی» را افزایش داده و هویت فرهنگی منحصر به فردی را به وجود آورده است (Howard, 2013: 29). این موقعیت، ایران را به صورت یک کشور بین‌المللی در آورده است که قادر است در معادلات جهانی و منطقه‌ای نقش برجسته‌ای بازی کند (کاظمی و آقامحمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۸). به طور کلی، عوامل جغرافیایی عمده‌تأثیرگذار ثبات و تداوم در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی هستند. بر این اساس، فرهنگ راهبردی ایران در دوران پهلوی به شدت تحت تأثیر تفکر و عمل غربی قرار داشت که با پیروزی انقلاب اسلامی، به طور اساسی تغییر یافت. اما عناصر مهمی از فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از وضعیت ژئوپلیتیک است، همچنان تداوم یافته است (Eisenstadt, 2015: 2).

۱-۴. نظام بین‌الملل

یکی دیگر از منابع فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نظام بین‌الملل است (Strain, 20-21: 1996). البته اثربخشی نظام بین‌الملل بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، در طول عامل تجارب تاریخی ایرانیان قرار دارد (ولی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۶۰). از زمان تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، سیاست خارجی ایران از محیط منطقه‌ای همیشه متلاطم و همچنین محذوریت‌های ناشی از نظام بین‌الملل تأثیر پذیرفته است (255: 2003, Afrasibi and Maleki). تحلیل انقلاب اسلامی ایران در سطح کلان نشان می‌دهد که

انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخ داد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت (ستوده، ۱۳۸۰: ۱۶۴). جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر نیز خود را در یک محیط خصومت‌آمیز با نظام بین‌الملل مشاهده می‌کند که این موضوع، در فرهنگ راهبردی مسئولان و مردم این کشور تأثیرگذار است (Strain, 1996: 20-21).



شکل ۱. منابع فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

۲. هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

برای فهم و احصا هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران از تعریف جانستون درباره فرهنگ راهبردی استفاده شده است. فرهنگ راهبردی در این تعریف به‌عنوان منظومه‌ای از نمادها شناخته می‌شود که هنجارهای رایج در جامعه در خصوص موضوعات ذیل را در برمی‌گیرد:

- ماهیت جنگ و صلح؛
- ماهیت دشمن؛
- ترجیحات راهبردی در توسل به زور (Rosa, 2014: 92-93).

بر این اساس، در ادامه، هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران به تفکیک سه موضوع مزبور به اختصار بیان می‌شود:

۱-۲. صلح طلبی عدالت‌گرایانه

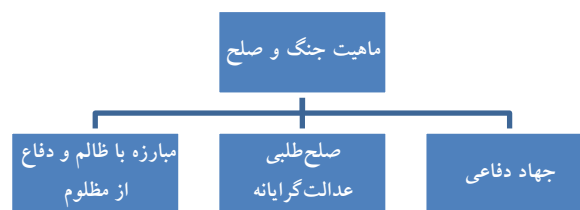
یکی از هنجارهای بنیادین فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، صلح طلبی است. از این رو، اصل در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، جنگ طلبی و خشونت نیست؛ زیرا در اسلام، اصالت با صلح است. در جمهوری اسلامی با اینکه گفته می‌شود مناسبات و ساختار غیرعادلانه بین‌الملل را قبول ندارد، اما هیچ‌گاه این مخالفت به طور مستقیم به سمت اعمال خشونت کشیده نشده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵/۶/۸). زیرا یکی از مفاهیم مهم مندرج در منابع اسلامی، امت واحده است که بر اساس آن، نه تنها بشر یک کل به هم پیوسته‌اند؛ بلکه یک نظام واحد و متصل بین انسان‌ها برقرار است؛ از این رو تعارض و تنازعی ذاتی بین جوامع بشری و بالتبع کشورها وجود ندارد (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بدین ترتیب، در اسلام، اصل در روابط خارجی بر صلح استوار است و جنگ حالت استثنایی دارد و بنا به ضرورت تجویز می‌شود. یعنی اسلام در روابط خارجی خود، صلح محور است (خالوزاده، ۱۳۹۴: ۲۸۴). بنابراین هنجار گریز از منازعه و تمایل به حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، از هنجارهایی است که در جامعه ایرانی به روشنی قابل تشخیص است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۵۲).

۲-۲. جهاد دفاعی

یکی دیگر از هنجارهای اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در موضوع ماهیت جنگ و صلح، جهاد دفاعی است که در واقع، مکمل صلح طلبی عدالت‌گرایانه محسوب می‌شود (Siddiqi, 2016: 12). جهاد به‌عنوان ابزاری برای حفظ اسلام و مسلمانان در مقابل تجاوز و ظلم، تشریح شده و به‌عنوان جنگی مشروع به‌منظور دفاع از مذهب و جلوگیری از تجاوز و بی‌عدالتی توسعه یافته است (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۸). در واقع، تنازع ذاتی بین جوامع بشری جریان ندارد و اگر هم گاهی به قتال مجوز داده می‌شود، جنبه دفاعی دارد (سلیمی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

۲-۳. مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم

هنجار مبارزه با ظلم و ستم‌گری و دفاع از مظلوم، نشان‌دهنده پسوند «عدالت‌گرایانه» در موضوع «صلح عدالت‌گرایانه» است (قهرمانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۶۴). در واقع، صلح‌طلبی عدالت‌گرایانه در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، متضمن احقاق حقوق مستضعفان و مسلمانان در چارچوب مصالح اسلامی و بشری است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸-ب: ۱۷۰). این اصرار بر مقابله با ظالمان و حمایت از مظلومان، علاوه بر اینکه ریشه در جهان‌بینی اسلام شیعی برای مبارزه با بی‌عدالتی دارد، ناشی از باورهای اجتماعی مشترک و تجارب تاریخی ایرانیان برای اجتناب از تکرار تحقیرهای گذشته ایران به دست قدرت‌های بزرگ است (Eisenstadt, 2015: 19).



شکل ۲. هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران مرتبط با «ماهیت جنگ و صلح»

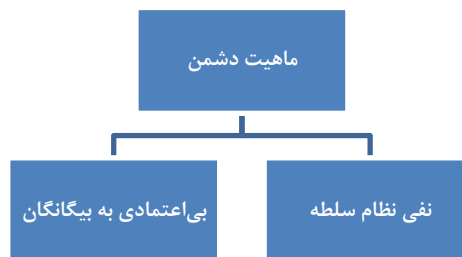
۲-۴. نفی نظام سلطه

در جهان بینی اسلامی، معیار شناختی و ارزش‌گذاری بر اساس مرزهای ملی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه از منظر ایمان به اسلام، دو قلمرو دارالاسلام و دارالکفر از یکدیگر مجزا می‌شوند و هرگونه سلطه غیرمسلمان بر مسلمین غیرقابل پذیرش است (قوام و جاودانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۹۹). بنابراین جمهوری اسلامی ایران یک دولت ضدژمونیک است و به دنبال حذف انواع استعمار و استبداد و امپریالیسم است (Mohammad Nia, 2012: 40). جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ایالات متحده را «شیطان بزرگ» و تجسم «غرور جهانی» و دشمن اصلی خود و تهدید اصلی منافع و بقای کشور

می‌داند (Eisenstadt, 2015: 8) به عبارتی، ایران خود را به‌عنوان کشوری شیعه و پیروز نهایی در برابر ناسازگاری تعریف می‌کند و از سوی دیگر، آمریکا را به‌عنوان یک کشور قلدر ریاکار معرفی می‌کند که این بازنمایی، چارچوب گفتمانی خاصی را ایجاد می‌کند (Duncombe, 2016: 637).

۲-۵. بی‌اعتمادی به بیگانگان

یکی از هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، احساس ناامنی و بی‌اعتمادی به عملکرد بیگانگان است. این ناامنی ناشی از مجموعه‌ای از اقدامات بیگانگان طی قرن‌های متمادی است که ایرانیان را به‌شدت به بیگانگان مظنون کرده است (Giles, 2003: 146) این مسئله موجب ایجاد باورهای بیناذهنی در میان ایرانیان گردیده و باعث شده است که دولتمردان ایرانی، بدبینی خاصی به بیگانگان به‌ویژه کشورهای غربی داشته باشند (Haji- 2010: 16). Yousefi, بی‌اعتمادی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای غربی با جلوه‌هایی از «بیگانه‌هراسی»^۱ همراه است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۶۸). تاریخ معاصر ایران حوادث متعددی را به ایرانیان نشان داده که در پی آنها، غرور ملی ایرانیان خدشه دار شده است. بنابراین دیدگاه سیاست‌گذاران ایران درباره بی‌اعتمادی به بیگانگان، به تجارب تاریخی آنها به‌عنوان نمونه‌هایی از تجاوز و توطئه بر می‌گردد (DeGroot and others, 2008: 23).



شکل ۳. هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران مرتبط با «ماهیت دشمن»

۶-۲. منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی

نوع ادراک کارایی توسط به زور مبنی بر اینکه تصمیم‌گیرندگان چه زمانی و کجا و چگونه، توسط به زور را مناسب می‌دانند، در فهم فرهنگ راهبردی کشورها اهمیت بسیاری دارد (Biava and Others, 2011). براین اساس، یکی از هنجارهای اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران را باید احساس منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی در محیط پیرامونی و حتی بین‌الملل دانست (Giles, 2003: 146) به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر احساس دوگانه غرور و ناامنی ملی است (Howard, 2013: 27). عظمت گذشته امپراتوری ایران همراه با موقعیت جغرافیایی، اندازه و وضعیت جمعیتی ایران، نشان می‌دهد که ایرانیان به درستی سزاوار جایگاه دولت غالب در منطقه هستند (Strain, 1996: 21-22). از دیدگاه ایرانیان، ایران تنها ملتی است که ۲۵ قرن سابقه تمدن تاریخی دارد، دارای موقعیت جغرافیایی ویژه و منابع طبیعی فراوانی است. بنابراین با گذشت زمان و تاریخ، ایرانیان بر این باورند که کشور آنها باید برتری منطقه‌ای خود را ایجاد کند (Knepper, 2008: 454).

۷-۲. مقاومت و پایداری

مقاومت^۱ و پایداری یکی از هنجارهای مهم هویتی جمهوری اسلامی ایران است که الهام گرفته از آموزه‌های مذهبی دین اسلام به‌خصوص مذهب شیعه است. بر اساس این هنجار هویتی، روحیه سازش‌ناپذیری و تحمل مشکلات ناشی از آن برای دولت اسلامی ایران به یک ارزش بدل می‌شود و بخشی از هویت آن را شکل می‌دهد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰ ب: ۱۸۲). «آموزه مقاومت» از طرفداران خود می‌خواهد که در برابر تهدیدات دشمن ایستادگی کنند و مصالحه در خصوص مسائل اصلی را نفی می‌کند با اعتقاد بر اینکه در مبارزه با حاصل جمع صفر، سازش نشانه‌ای از ضعف است و توسط دشمنان اسلام مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد (Eisenstadt, 2015: 22). مقاومت و ایستادگی، در طول تاریخ، بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ راهبردی ایرانیان بوده است (Mohammad Nia, 2012: 40).

۲-۸. دفاع همه‌جانبه

«دفاع همه‌جانبه»^۱ عبارت است از: آماده‌سازی و به‌کارگیری تمامی سرمایه‌های انسانی و امکانات مادی و معنوی، به‌منظور پیشگیری و مقابله با هر نوع تهدید و تهاجم دشمنان داخلی و خارجی (قهرمانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۶۶). دفاع همه‌جانبه در برابر تهاجم خارجی از هنجارهای تأثیرگذار در فرهنگ عمومی ایرانیان محسوب می‌شود که وارد فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران نیز شده است. وجود چنین هنجاری در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران بدین معناست که هرگونه تهاجم خارجی به ایران با مقاومت همه‌جانبه مردمی مواجه خواهد شد (ترابی، ۱۳۹۰: ۲۵۱).

۲-۹. ابهام راهبردی

ابهام راهبردی یکی دیگر از هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که بنا به مصلحت ملی، اطلاعات چندانی در خصوص ابعاد مختلف نظامی و امنیتی و سیاسی خود در اختیار سایر کشورها قرار نمی‌دهد و آگاهانه از اصل ابهام راهبردی استفاده می‌کند (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). به‌عبارتی، ایرانیان تضادها و ابهامات زیادی را در خصوص بیشتر ملت‌ها در نظر می‌گیرند. در واقع ابهامات و تناقض‌ها وسیله‌ای برای تشدید وضعیت غبار آلود است و باعث ایجاد شک و تردید در دشمنان می‌شود (Howard, 2013: 35). این ویژگی مشخصی از فرهنگ راهبردی ایران است و بازتابی از این واقعیت است که اغلب، ابهامات توسط این کشور به‌عنوان یک راهبرد برای غلبه بر دشمنان استفاده می‌شود (Eisenstadt, 2015: 3).

۲-۱۰. حفظ و بقای نظام (مصلحت‌گرایی)

حفظ و بقای نظام یا مصلحت‌گرایی، یکی از مهم‌ترین هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. منظور از مصلحت در حکومت اسلامی، منفعتی است که شارع برای بندگانش خواسته است؛ این منافع مشتمل بر حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال، به ترتیب

اولویت است (ظریف و سجادیه، ۱۳۹۳: ۱۰۶). بر اساس اصول اسلامی، حفظ نظام اسلامی از اوجب واجبات است. این مسئله در کنار ضروریات واقع‌گرایانه تحمیلی نظام بین‌الملل بر دولت اسلامی، اصل لزوم بقای نظام و حفظ مصلحت دولت اسلامی را به وجود می‌آورد (قوام و جاودانی مقدم، ۱۳۸۶: ۱۰۱). به عبارت دیگر، انعطاف‌پذیری تاکتیکی که بسیاری از سیاست‌های ایران را مشخص می‌کند، به عنوان یک سازوکار دفاع در برابر قدرت‌های خارجی متخاصم استفاده شده است (Eisenstadt, 2015: 24).

۲-۱۱. استقلال‌طلبی و خودکفایی

هنجار دیگر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، استقلال‌طلبی و خودکفایی است. جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته، با تجربه تلاش برای براندازی از سوی دشمنان روبرو بوده و به همین دلیل، یکی از شیوه‌های حفظ بقا و تداوم خود را تلاش برای خوداتکایی و خودکفایی در سطح راهبردی می‌داند (ترابی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). قرارگرفتن ایران در موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک بی‌نظیر باعث شده است این کشور همواره در طول تاریخ کانون توجه قدرت‌های بین‌المللی، و در معرض طمع و تهدید، مداخله و تجاوز آنها قرار گیرد و همین ذهنیت وجود عنصر خارجی، باعث ایجاد نوعی بیگانه‌ستیزی و حس استقلال‌خواهی در ایرانیان و فرهنگ سیاسی و راهبردی آنها شده است (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۹۸). بنابراین ایران تلاش می‌کند وابستگی خود را به قدرت‌های خارجی از بین ببرد. توسعه فناوری بومی برای دستیابی به خوداتکایی، وابستگی به منابع خارجی را کاهش می‌دهد (Mohammad Nia, 2012: 40).

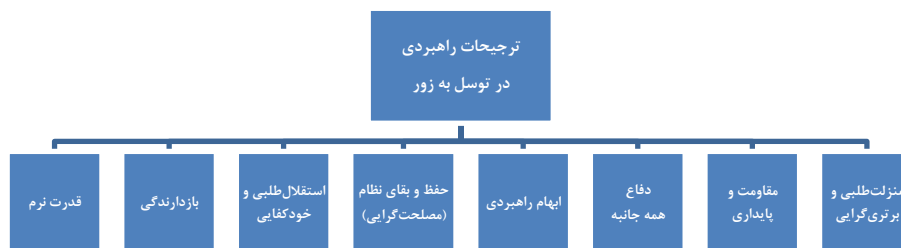
۲-۱۲. بازدارندگی

مطالعات امنیتی سنتی، ویژگی بازدارندگی را عقلانی و جهانی می‌دانند. ارتباط بین فرهنگ و بازدارندگی در محیط راهبردی پیچیده امروز دچار ابهام شدیدی است (Lantis, 2009: 468). فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران به افزایش قابلیت بازدارندگی تمایل دارد. زیرا در زمان‌های مختلف، جمهوری اسلامی با تهدیدهای مختلف از جانب دشمنان روبرو بوده است

(Eisenstadt, 2001: 15). مبانی اسلام شیعی و تجارب تاریخی ایرانیان از جمله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، از مهم‌ترین منابع شکل‌دهنده به هنجار بازاریاندگی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. از طرف دیگر، موقعیت ژئوپلیتیکی و نظام بین‌الملل از منابع شکل‌دهنده به هنجار بازاریاندگی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. همان‌طور که واقعیت دشمنی‌های همیشگی علیه جمهوری اسلامی ایران، حس انزوای ایران را تقویت کرده‌اند، ایران بازاریاندگی، آمادگی دفاعی و خودکفایی را پایه اهداف امنیتی بلندمدت خود قرار داده است (Knepper, 2008: 456).

۲-۱۳. قدرت نرم

جمهوری اسلامی ایران به‌طور سنتی راهبرد امنیتی قدرتمند نرم/ سخت را دنبال کرده و قدرت نرم را بیش از قدرت سخت کانون توجه قرار داده است (Eisenstadt, 2015: 12). قدرت نرم ایران مبتنی بر تغییر در توازن قدرت مذهبی شیعه و سنی و توانایی ایران برای معرفی خود به‌عنوان رهبر همه مسلمانان در خاورمیانه است. در این تفسیر، اسلام شیعی به‌عنوان یک منبع قدرت شناخته می‌شود (Rahigh-Aghsan and Viggo Jakobsen, 2010: 563). از آنجا که قدرت نرم شامل عناصر غیرنظامی قدرت ملی است، جمهوری اسلامی ایران خود را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد و همچنین یک نیروی اخلاقی و روبه‌رشد در جهان معرفی می‌کند (Eisenstadt, 2015: 12).



شکل ۴. هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران مرتبط با «ترجیحات راهبردی در توسل به زور»

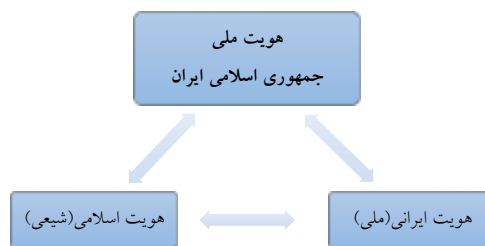
ج. تأثیر فرهنگ راهبردی بر هویت و نقش ملی جمهوری اسلامی ایران

۱. فرهنگ راهبردی و هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی به استقرار نظم انقلابی جدیدی در کشور انجامید که پیامدهای آن شدید بود و این انقلاب، عمیقاً بر هویت ملی و روابط خارجی کشور تأثیر گذاشت (zarif, 2014: 5). به طور کلی، هویت جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نظام سیاسی تعیین یافته در قلمرو سرزمینی ایران و برخاسته از انقلاب اسلامی، می توان بر پایه دو عنصر هویت ساز «ایرانیت» و «اسلامیت» یا «ملیت» و «مذهب» تعریف کرد. باتوجه به نسبت این دو عامل و میزان نقش آنها در تکوین هویت ملی ایران، رهیافت ها و دیدگاه های مختلفی در طول تاریخ ایران پس از اسلام شکل گرفته اند. گروهی منبع اصلی هویت ملی را ایرانیت و ملیت ایرانی می دانند که مبنایی سرزمینی و قومی دارد. گروهی دیگر، بالعکس، مهم ترین درون مایه هویت ایرانی را اسلام می دانند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۴۰). بدین ترتیب، این دو گروه درباره وزن و اهمیت ایرانیت و اسلامیت در هویت ملی ایرانیان، اختلاف نظر دارند. گروه اول بر هویت اسلامی انقلاب اسلامی و بازگشت به ارزش های اسلامی تأکید می کنند و هویت اصلی جمهوری اسلامی ایران را برخاسته از انقلاب اسلامی می دانند (گوهری مقدم و ملکی، ۱۳۸۱: ۳۶). گروه دوم بر این باورند که ایران یک ملت- دولت مانند دیگر واحدهای سیاسی در جهان امروزی است و باید در صحنه بین المللی همانند سایر دولت ها باشد (ملکی، ۱۳۸۲: ۱۰۵). مسئولان جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، غیر از دوران دولت موقت، عمدتاً از گروه اول بوده اند و از این رو، اهمیت بیشتری را برای اسلامی بودن در هویت ملی قائل هستند. مطابق قانون اساسی و برنامه های توسعه، هویت جمهوری اسلامی ایران، به صورت یک نظام سیاسی اسلامی- ایرانی با تأکید بر اسلامیت، قابل تعریف است (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۱۵). در واقع، جمهوری اسلامی ایران یک بازیگر خاص است و خاص بودن آن، ناظر به ماهیت و هویت خاص اسلامی این نوع دولت و نبود تجربه مشابه در میان دولت های اسلامی موجود است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۲۱).

از آنجاکه بخش مهمی از هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسلام شیعی است، بدیهی است که هویت اسلامی بارز می شود. البته در دوران مختلف جمهوری

اسلامی ایران با توجه به وزن هنجارهای برگرفته از اسلام شیعی یا تجارب تاریخی ایرانیان، هویت ملی نیز به تناسب وزن و اهمیت اسلامیت و ایرانیت، در نوسان بوده است. بدین ترتیب، هنجارهای شکل دهنده به فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران مانند استقلال طلبی و رسالت محوری قوام بخش هویت جمهوری اسلامی ایران هستند. به طور کلی، با بررسی منابع و هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران درمی یابیم که نوع هویت شکل گرفته برای دولت جمهوری اسلامی ایران، عمدتاً یک هویت اسلامی - انقلابی است؛ هویتی که ناشی از شناخت این نظام از خود بوده است و منجر به تعریف مرزهایی میان این دولت و دنیای بیرون می شود. این هویت در بردارنده نقش های متفاوتی برای دولت جمهوری اسلامی ایران است که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.



شکل ۵. هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

۲. فرهنگ راهبردی و نقش های ملی جمهوری اسلامی ایران

نقش ملی تعریفی است که سیاست گذاران از انواع تصمیمات، تعهدات، قواعد و اقدامات مناسب برای دولت شان و وظایفی که دولت شان در شرایط گوناگون جغرافیایی ایفا می کند، به عمل می آورند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۹۸). تصمیم گیرندگان سیاست خارجی بر اساس نقش های ملی تصمیم گیری می کنند. بر این اساس، نقش های ملی جمهوری اسلامی ایران تابعی از انواع هویت هایی است که جمهوری اسلامی برای خود تعریف می کند (قهرمانپور، ۱۳۸۳: ۸۰). بدین ترتیب، هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت ها و تکالیف فراملی مختلف را در چارچوب نقش های متعدد برای آن ایجاب و ایجاد می کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸

الف: ۲۲۸). با توجه به تأثیر فرهنگ راهبردی و وزن هویت ایرانی یا اسلامی، می‌توان همه نقش‌های مزبور را ذیل دو نقش غالب «دولت مستقل» یا «دولت رسالت‌محور» تعریف کرد. به عبارتی، هنجارهای فرهنگ راهبردی و چگونگی تفسیر و تعریف هویت جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر برتری هنجارهای ایرانی (ملی‌گرایی) یا اسلامی-انقلابی، باعث شده است جمهوری اسلامی ایران برای خود دو نقش کلی «دولت مستقل» یا «دولت رسالت‌محور» را تعریف کند. در دورانی از جمهوری اسلامی ایران که هویت ایرانی بر هویت اسلامی برتری نسبی پیدا کرده است (دوران دولت موقت)، نقش «دولت مستقل» برگرفته از هنجارهای فرهنگ راهبردی توسط تصمیم‌گیران سیاست خارجی تعریف شده است. همچنین در دورانی از جمهوری اسلامی ایران که هویت اسلامی بر هویت ایرانی برتری نسبی پیدا کرده است، نقش «دولت رسالت‌محور» برگرفته از هنجارهای فرهنگ راهبردی توسط تصمیم‌گیران سیاست خارجی تعریف شده است. در ادامه، نقش‌های مزبور به اختصار بررسی می‌شوند:



شکل ۶. نقش‌های ملی جمهوری اسلامی ایران

۱-۲. دولت مستقل

استقلال طلبی یکی از هنجارهای فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران و ناشی از تجارب تاریخی ایرانیان و آموزه‌های اسلام شیعی است. براین اساس، دولت مستقل به معنای تعقیب حداکثر منافع ممکن در نظام بین‌الملل بدون تأثیرپذیری از قدرت‌های خارجی است. برابر این هنجار هویتی، جمهوری اسلامی ایران نقش خود را به عنوان یک دولت مستقل و غیرمتعهد تعریف می‌کند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰ ب: ۱۷۶). بنابراین نقش «دولت مستقل» برگرفته از هنجار استقلال طلبی و بی‌اعتمادی به بیگانگان در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران

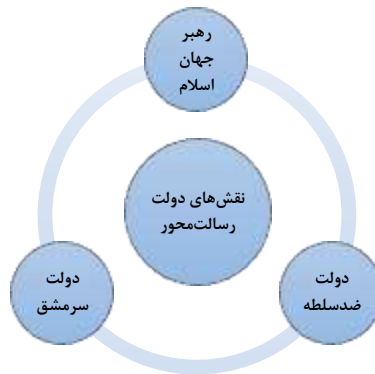
است. انقلاب اسلامی موجب شد فرهنگ استقلال‌طلبی ایرانیان به آموزه‌های دینی مجهز شود (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۴۸). بنابراین استقلال، یک جنبه مرکزی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است که بالتبع موجب قوام هویت ایرانی و اسلامی و نقش دولت مستقل توسط جمهوری اسلامی ایران شده است (Howard, 2013: 28).

۲-۲. دولت رسالت‌محور

یکی از مهم‌ترین نقش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رسالت‌محوری است که به‌طور پیوسته پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه بعد از حاکمیت اسلام‌گرایان در مراکز تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران پیگیری شده است (Dehghani Firouzabadi, 2008: 14). جمهوری اسلامی ایران با ترکیب منافع ملی و اهداف فراملی، نقش خاصی را به‌عنوان تنها دولت انقلابی و دمکراتیک شیعه در جهان ارائه می‌دهد که مبتنی بر هویت ملی و جنبه‌های اسلامی و انقلابی آن است (Dehshiri & Majidi, 2009: 105). براین اساس، در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «قانون اساسی باتوجه‌به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج از کشور فراهم می‌کند.» در اینجا تأثیر هنجار صلح عادلانه در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران بر ایفای نقش یک دولت رسالت‌محور، آشکار می‌شود.

از طرف دیگر، یکی از هنجارهای بنیادین در فرهنگ راهبردی ایرانیان، منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی است که در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تشدید شد. کشورهای منزلت‌طلب و رسالت‌محور تلاش می‌کنند تا اهداف و الگوی سیاسی خود را به سایر حوزه‌های جغرافیایی انتقال دهند (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۱۱۹). باتوجه‌به هنجارهای فرهنگ راهبردی ایرانیان به‌ویژه منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی است که ایرانیان، همواره برای خود رسالتی جهانی و رهایی بخش قائلند. دو نقش ایجابی «رهبر جهان اسلام» و «دولت سرمشق» و نقش سلبی «دولت ضدسلطه» که از هنجارهای فرهنگ راهبردی و هویت اسلامی انقلابی

جمهوری اسلامی ایران سرچشمه می‌گیرند، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ذیل نقش دولت رسالت‌محور قرار می‌گیرند:



شکل ۷. نقش‌های دولت رسالت‌محور

۲-۳. رهبر جهان اسلام

همان‌گونه که ذکر شد یکی از هنجارهای اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، احساس منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی در محیط پیرامونی و حتی بین‌المللی است (146 : 2003 Giles). در دهه ۱۹۷۰ میلادی، شکل خاصی از الگوی رهبری منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران منعکس شد که این امر با فرهنگ سیاسی و فرهنگ راهبردی ایران هماهنگی داشت؛ اما تحقق چنین شرایطی بر اساس شاخص‌های دکترین نیکسون شکل گرفته بود. بنابراین ایفای نقش رهبر منطقه‌ای در دهه ۱۹۷۰ مستلزم مشارکت با غرب و اجرای سیاست‌های حفظ وضع موجود بود (متقی و پوستین‌چی، ۱۳۹۰: ۵۸). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک تمایلی به ایفای این نقش در قالب نظم بین‌المللی موجود، وجود نداشت و اصولاً پذیرش هرگونه نقشی در این باره، به‌منزله پذیرش وضع موجود بود که به‌طور طبیعی با ارزش‌ها و باورهای اسلامی نظام انقلابی ایران در تناقض و تعارض قرار می‌گرفت (جوادی ارجمند و چابکی، ۱۳۸۹: ۴۸). بدین ترتیب پس از انقلاب اسلامی، هنجارهای منزلت‌طلبی و رسالت‌گرایی و استثناگرایی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران متأثر از دو منبع

هویتی اسلام شیعی و تجارب تاریخی ایرانیان تداوم یافته و رهبران جمهوری اسلامی معتقدند که در جهان معاصر، ایران، رهبری اسلام انقلابی و وظیفه حمایت از مسلمانان سراسر جهان و حتی ملل غیرمسلمان زیر سلطه و استعمار (با عنوان کلی مستضعفان) را برعهده داشته است و نقش و رسالتی بی‌بدیل در امور منطقه‌ای و جهانی دارد (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۳۷).

از طرفی، همان‌گونه که گفته شد اسلام مهم‌ترین عنصر قوام‌بخش فرهنگ راهبردی و هویت جمهوری اسلامی ایران است. در نتیجه از آنجا که اسلام، دینی جهان‌شمول و یک جهان‌بینی آرمان‌ساز و آرمان‌خواه است، جمهوری اسلامی ایران نیز رسالت جهانی و آرمان‌های فراملی اسلامی برای هدایت و سعادت کل بشر دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵۵). به‌علاوه، هنجار الهام‌بخشی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، پیوندی از اسلام‌گرایی و ملیت‌گرایی در هویت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که زمینه‌های رهبری منطقه‌ای ایران در جهان اسلام را فراهم می‌نماید. بنابراین، قدرت نرم و الهام‌بخشی نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر غرب، در آموزه‌های دینی و ملی نهفته در فرهنگ سیاسی شیعه و فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران ریشه دارد (قربی، ۱۳۹۴: ۹۳). از طرف دیگر، جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف سیاست خارجی خود را تلاش برای ایجاد وحدت میان مسلمانان و دفاع از ایشان قرار داده است و در این زمینه، رسالت و نقش خاصی برای خود قائل است (ظریف و سجادی، ۱۳۹۳: ۱۳۷). بدین ترتیب، هنجارهای فرهنگ راهبردی و هویت اسلامی انقلابی، باعث شده است جمهوری اسلامی ایران برای خود نقش‌هایی همچون «دولت رسالت‌محور» یا «رهبر جهان اسلام» تعریف کند. از این‌رو، جمهوری اسلامی ایران معتقد است که نقشی کلیدی در مناسبات جهانی به‌عنوان حامی الگوی اسلام انقلابی و نگهبان مسلمانان زیر ستم و غیرمسلمانان ایفا می‌کند (Eisenstadt, 2015: 6).

۲-۴. دولت سرمشق (کارآمد)

یکی از نقش‌های جمهوری اسلامی ایران مرتبط با نقش «دولت رسالت‌محور» را می‌توان نقش «دولت سرمشق (کارآمد)» تعریف کرد. نقش دولت سرمشق از جمله نقش‌هایی است که کمترین سطح درگیری را در روابط بین‌الملل ایجاد می‌کند؛ زیرا در این نقش نوعی درون‌گرایی

مشاهده می‌شود که حیطة مسئولیت‌ها، برای دستیابی به اهداف این نقش، در درون مرزهای جغرافیایی متمرکز شده است. در نقش دولت سرمشق، دولت از طریق دنبال کردن خط‌مشی‌های داخلی خاص خود، در پی کسب نفوذ بر دیگر دولت‌هاست (جعفرزاده و خلیلی، ۱۳۹۲: ۱۲). این نقش نیز برگرفته از هنجارهای منزلت‌طلبی و برتری‌طلبی و الهام‌بخشی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران متأثر از دو منبع هویتی اسلام شیعی و تجارب تاریخی ایرانیان است. ادعای برتری در میان کشورهای جهان اسلام، یکی از مشخصات سیاست خارجی ایران پس‌انقلاب است. با این فرض، جهان اسلام یک امت واحده است و ملاک وحدت امت، رهبری آن است. بنابراین اعتقاد بر این است که پس از انقلاب اسلامی، ایران ام‌القری شد و همه امت باید از ام‌القری دفاع کنند (همان: ۴۳).

۲-۵. دولت ضدسلطه

دولت ضدسلطه یکی از نقش‌های جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک دولت رسالت‌محور است که هنجار استقلال‌طلبی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی در قوام آن دارد. در واقع، مخالفت با وضع موجود و حامی ملل محروم و مستضعف‌بودن از رسالت‌ها و نقش‌های یک دولت با هویت اسلامی انقلابی است (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۱۸). با پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با وجود ماهیت ثابت نظام دوقطبی، تغییری اساسی در سیاست خارجی خود انجام داد و به‌جای آنکه خود را با یک ابرقدرت ادغام کند، یک الگوی سیاست خارجی جدید را بر اساس سیاست «نه شرقی، نه غربی» اتخاذ کرد (Dehshiri & Majidi, 2009: 107). در واقع، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین علامت رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته، مقابله با نظام سلطه بوده است. بنابراین سیاست خارجی ایران بر همین پایه، به‌خصوص رد سلطه و عدم انطباق نسبت به هژمون تصمیم‌گیری و رفتار می‌کند (Dehghani Firouzabadi, 2008: 18). جمهوری اسلامی ایران نظام بین‌الملل را به‌عنوان نظامی ناعادلانه می‌بیند که باید یک نظم درست و منصفانه جایگزین آن شود؛ از این رو، ایران را به‌عنوان یک دولت تجدیدنظرطلب در نظر می‌گیرند (Mohammad Nia, 2011: 288). انجام این رسالت توسط جمهوری اسلامی ایران برگرفته

از هنجارهای فرهنگ راهبردی همچون منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی و الهام‌بخشی بوده است. به عبارتی، هویت «اسلامی انقلابی» برگرفته از فرهنگ راهبردی، معیار متفاوتی را برای «خودی‌ها» و «دگرها» در عرصه بین‌المللی ایجاد کرد و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان ام‌القری جهان اسلام در مقابل غرب به‌ویژه آمریکا به‌عنوان نماد سلطه‌طلبی در نظام بین‌الملل قرار داد.

از طرفی، هنجار مقاومت و پایداری یکی از هنجارهای اساسی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است که در شکل‌دهی و قوام هویت اسلامی و نقش دولت ضدسلطه بسیار مؤثر است. همچنین هنجارهای عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران باعث می‌شود جمهوری اسلامی ایران خود را به‌عنوان دولت «عدالت‌خواه» در برابر دولت‌های «استعماری و استبدادی» قرار دهد و بدین ترتیب، مرزهای هویتی میان خود و دنیای بیرون را ترسیم کند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰ الف: ۹۸). یعنی در نظم کنونی بین‌الملل، جمهوری اسلامی خود را به‌عنوان رهبری بلوک ضدسلطه معرفی می‌کند و ایالات متحده را نماینده سلطه‌گران می‌داند (متقی و آزرمی، ۱۳۹۳: ۸). علاوه بر این، هنجار بیگانه‌هراسی در فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران نیز باعث به‌وجود آمدن نقش دولت ضد‌هژمون شده است.

د. فرهنگ راهبردی و تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

منابع معنایی و ساختارهای انگاره‌ای از جمله فرهنگ راهبردی، با تعریف هویت و نقش برای کنشگر، عقلانیت وی را نیز شکل می‌دهند و منجر به بروز تصمیمات و سیاست‌هایی می‌شوند که تنها به‌دلیل آنکه متناسب با این ساختارهای معنایی و نقش‌های آن بوده‌اند، ایجاد شده‌اند. در واقع فرهنگ راهبردی، تصمیم‌گیری راهبردی را شکل‌دهی و معین می‌نماید و تصمیم و رفتار راهبردی نمی‌تواند بدون فرهنگ باشد؛ زیرا فرهنگ آن چیزی است که به عمل معنا می‌دهد (زهرانی و شیراوند، ۱۳۹۶: ۱۰۹). مطالعات مرتبط با فرهنگ راهبردی نشان می‌دهد که کشورهایی با جایگاه بین‌المللی مشابه، اما سنت‌های فرهنگی متفاوت، در مقابل رویدادهای خارجی مشابه با روش‌های یکسان واکنش نشان نمی‌دهند (Rosa, 2014: 91). در واقع،

فرهنگ راهبردی یک نظام ارزشی در زمینه تصمیم‌گیری راهبردی فراهم می‌کند که این نظام ارزشی، سیاست خارجی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Moore, 1998). در این مقاله، اعتقاد بر این است که تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تابع منطق تناسب است. به عبارتی، جمهوری اسلامی ایران، یک بازیگر اجتماعی نقش‌محور است که بر پایه منطق تناسب و بر اساس هویت و نقش ملی در سیاست خارجی، تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. بنابراین بر اساس «منطق تناسب»^۱، از جمهوری اسلامی ایران انتظار می‌رود که بر اساس هنجارها و قواعد مورد پذیرش خود که مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی و تجارب تاریخی از جمله هنجارهای فرهنگ راهبردی است، تصمیم مناسب در سیاست خارجی را اتخاذ کند (سلیمانی، ۱۳۹۲: ۱۵).

براین اساس، هنجارهای شکل‌دهنده به فرهنگ راهبردی بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار است. بنابراین، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران با توجه به هنجارهایی خاصی که در آن وجود دارد، تصمیم‌گیری خاصی را ایجاب می‌کند. این امر که به‌طور مستقیم از هویت ملی کشور تأثیر می‌پذیرد، بر نقش و مسئولیت و رسالتی که جمهوری اسلامی ایران برای خود در صحنه جهانی تعریف می‌کند، ناظر است (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۲). برای بررسی نقش فرهنگ راهبردی بر الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان چهار سؤال مطرح در این زمینه را به ترتیب پاسخ داد:

سؤال اول اینکه، «من در چه موقعیتی قرار دارم؟» ناظر به هویت ملی است. بدین ترتیب هنجارهای فرهنگ راهبردی موجب نوسان هویتی جمهوری اسلامی ایران بین هویت اسلامی و هویت ایرانی شده اما عمدتاً تکوین هویت اسلامی - انقلابی را برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته است.

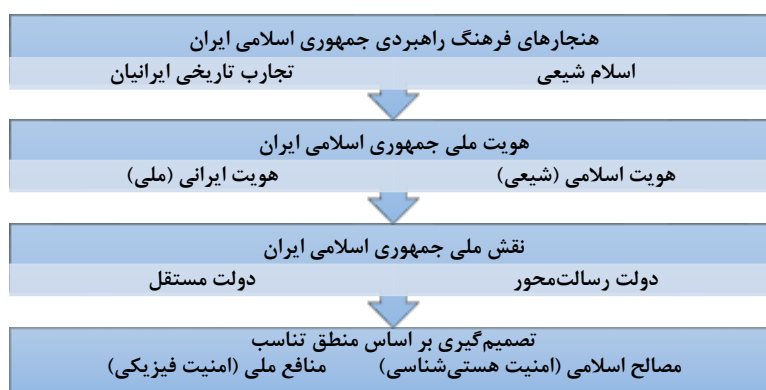
در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر اینکه، «در این موقعیت، کدام یک از نقش‌های اجتماعی من موضوعیت دارد؟» باید گفت که فهم متفاوت از هویت اسلامی - انقلابی، زمینه‌ساز تعریف نقش‌های متفاوتی همچون «دولت مستقل» و «دولت رسالت‌محور» شده است.

سؤال سوم این است که «هرکدام از گزینه‌های رفتاری موجود تا چه اندازه با نقش اجتماعی من منطبق است؟» در اینجا با دوگانه منافع ملی یا مصالح اسلامی یا به عبارتی امنیت فیزیکی یا امنیت هستی‌شناختی مواجه هستیم. این دو دسته از اهداف و منافع، تعارض و تباین ذاتی ندارند؛ بلکه ممکن است در مقام عمل و اجرا با هم تزاخم پیدا کنند. به سخن دیگر، منافع ملی و مصالح اسلامی در طول یکدیگرند، نه در عرض همدیگر (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۰). بدین ترتیب، برتری هویت اسلامی بر هویت ایرانی موجب تعریف نقش دولت رسالت محور خواهد شد که بیشتر با مصالح اسلامی منطبق است. بالعکس برتری هویت ایرانی بر هویت اسلامی، موجب تعریف نقش دولت مستقل خواهد شد که بیشتر با منافع ملی تناسب دارد.

درنهایت، سؤال چهارم مطرح می‌شود با این مضمون که «مناسب‌ترین تصمیم و رفتار (باتوجه به موقعیت (هویت)، نقش‌هایم و گزینه‌های موجود) کدام است؟» در اینجا مبتنی بر منطق تناسب، نوسان بین هویت اسلامی - انقلابی و هویت ایرانی و هریک از نقش‌های ملی «دولت مستقل» و «دولت رسالت‌محور» با زیرنقش‌های آن شامل «دولت سرمشق»، «رهبر جهان اسلام» و «دولت ضدسلطه»، تصمیم‌گیری متناسب را ایجاب و تعیین می‌کند. یعنی برای تصمیم‌گیری سیاست خارجی در نقش «دولت مستقل»، شاهد ترجیح منافع ملی با رویکردی واقع‌گرایانه و اولویت‌یافتن امنیت فیزیکی هستیم؛ از سوی دیگر، تعریف نقش «دولت رسالت‌محور» موجب ترجیح مصالح اسلامی با رویکردی آرمان‌گرایانه و اولویت‌یافتن امنیت هستی‌شناختی شده است. زیرا باتوجه به اینکه هویت، فرایند پویایی است که کنش از آن نشئت می‌گیرد که به نوبه خود هویت را حفظ می‌نماید، کشورها علاوه بر امنیت فیزیکی، دغدغه امنیت هستی‌شناختی نیز دارند (میتزن، ۱۳۸۸: ۲۶۵-۲۶۲). بنابراین امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی ایران، نگرش این دولت به خود و تصویری را که دولت‌ها می‌خواهند دیگران از آن داشته باشند، به منصف ظهور می‌رساند (طباطبایی و حجازی، ۱۳۹۵).

براین اساس، هویت جمهوری اسلامی ایران بازتاب اصول ایدئولوژی اسلامی است و بر اساس این هویت، دولت جمهوری اسلامی ایران برای خود، نقش رسالت جهانی و اسلامی قائل می‌شود که طبق آن، می‌بایست وظایف و تکالیف دولت اسلامی را بر عهده گیرد که فراتر

از مرزهای جغرافیایی این کشور بوده و در جهت تکالیف دینی و منافع اسلامی است و بر اساس همین نگرش و عقیده است که اصول و اهداف و منافع خود را در عرصه نظام بین‌الملل تدوین نموده و در چارچوب آن تصمیم‌گیری و عمل می‌کند (یزدانی و نژادنزیه، ۱۳۹۲: ۲۶). اجزای تشکیل‌دهنده امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی از جمله حفظ و حراست از اسلام و انقلاب اسلامی، استقلال منطقه‌ای اسلامی و مبارزه با هژمون آمریکا، همگی در جهت تأمین این هویت طراحی شده‌اند. نکته مهم در اینجا آن است که پیگیری امنیت هستی‌شناختی در چارچوب الگوی بازیگری عاقل صورت می‌گیرد. یعنی اگر امنیت هستی‌شناختی با امنیت فیزیکی در تعارض باشد، تصمیم‌گیری و انتخاب یکی از این دو، بر اساس برآورد هزینه - فایده صورت می‌گیرد (متقی و آزر می، ۱۳۹۳: ۱۶).



شکل ۸. الگوی تأثیر فرهنگ راهبردی بر تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نتیجه‌گیری

فرهنگ راهبردی نقش متغیر مداخله‌گری را در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی برای درک تصمیم‌گیری و رفتار کشورها ایفا می‌کند و کشورهایی که در فرهنگ راهبردی خود عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی خاصی را در خصوص دفاع و امنیت دارند، سیاست خارجی متفاوتی را دنبال می‌نمایند. با توجه به باورها و نگرش‌های بین‌الذهانی برگرفته از تاریخ و مذهب، منابع اصلی فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران شامل اسلام شیعی، تجارب تاریخی ایرانیان،

موقعیت ژئوپلیتیک و نظام بین‌الملل است. به‌علاوه فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران دارای هنجارهای خاص و منحصر به فردی شامل صلح‌طلبی عادلانه و جهاد دفاعی و مقابله با ظالم و دفاع از مظلوم، نفی نظام سلطه و بی‌اعتمادی به بیگانگان، منزلت‌طلبی و برتری‌گرایی، پایداری و مقاومت، حفظ و بقای نظام (مصلحت‌گرایی)، استقلال‌طلبی و... است.

بدین ترتیب، هنجارهای خاص فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، منجر به تعریف هویت ملی اسلامی- ایرانی و نقش دولت مستقل و دولت رسالت‌محور برای جمهوری اسلامی ایران شده است. از طرف دیگر، با توجه به قوام‌بخشی متقابل ساختار و کارگزار، جمهوری اسلامی ایران از طریق تصمیم‌ها و رفتارهای خود در سیاست خارجی، هنجارهای فرهنگ راهبردی را بازتولید می‌کند. از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران، بازیگر اجتماعی نقش‌محوری است که بر پایه منطق تناسب در سیاست خارجی تصمیم‌گیری می‌کند؛ بنابراین هنجارهای خاص فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران از طریق تحول در تعریف هویت ملی ایرانی- اسلامی و تکوین نقش‌های ملی (دولت مستقل و دولت رسالت‌گرا) و مطابق با منطق تناسب، در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای انتخاب ترجیحات خاص تأثیرگذار است. به عبارتی، هویت‌ها و نقش‌های ملی که جمهوری اسلامی برای خود قائل است، الگوی تصمیم‌گیری و رفتاری آن را در سیاست خارجی تعیین می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هویت اسلامی- انقلابی ایرانی و نقش‌های ملی «دولت مستقل»، «دولت ضدسلطه» و «دولت سرمشق» تعریف می‌شود و هریک از این هویت‌ها و نقش‌های ملی، تصمیم‌گیری مختلف و متفاوتی را ایجاب می‌کند. از این رو، در دوره‌های مختلف سیاست خارجی ایران با توجه به هویت و نقش ملی، مطابق منطق تناسب، تصمیم‌گیری می‌شود که می‌توان آن را انتخاب ترجیحاتی خاص شامل دوگانه مصالح اسلامی و منافع ملی تعریف کرد.

منابع

- ترابی، قاسم (۱۳۹۰) «فرهنگ راهبردی و بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، در کتاب فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ویراسته محمود عسگری، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- ترابی، قاسم و علیرضا رضایی (۱۳۹۰) «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران؛ زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۹۰، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جانستن، آلاستر آین (۱۳۹۰) «واقع‌گرایی فرهنگی و استراتژی در چین مانوئیست»، در کتاب فرهنگ امنیت ملی (جلد اول)، هنجارها و هویت در سیاست جهانی، ویراسته پیتر جی کزنشتاین، ترجمه محمدهادی سمتی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چپرسن، رونالد ال، الکساندر ونت و پیتر جی کزنشتاین (۱۳۹۰) «هنجارها، هویت و فرهنگ در امنیت ملی»، در کتاب فرهنگ امنیت ملی (جلد اول)، هنجارها و هویت در سیاست جهانی، ویراسته پیتر جی کزنشتاین، ترجمه محمدهادی سمتی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفرزاده، حسین و محسن خلیلی (۱۳۹۲) «نقش‌های ملی و پیدایش قدرت نرم: تحلیل کمی گفتارها/نوشتارهای مقام معظم رهبری (۱۳۸۸-۱۳۶۸)»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، تهران: سازمان بسیج اساتید.
- جوادی ارجمند، محمدجواد و ام‌البین چابکی (۱۳۸۹) «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- چرنوف، فرد (۱۳۸۸) نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- حیدری، شقایق (۱۳۹۳) «فرهنگ راهبردی ایران؛ زمینه‌های تاریخی و بسترهای اجتماعی»، فصلنامه پژوهشنامه دفاع مقدس، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- خالوزاده، سعید (۱۳۹۴) حقوق دیپلماتیک و کنسولی، چاپ سوم، تهران: سمت.
- خلیلی، محسن و حسین جعفرزاده (۱۳۹۲) «بازنمایی الگوی صدور انقلاب در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲، همدان: دانشگاه همدان.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶) «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸ الف) «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۸، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸ ب) «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه معرفت سیاسی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳) چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از دولت بازرگان تا دولت روحانی، چاپ اول، تهران: مخاطب.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵/۶/۸) «چگونه سیاست خارجی جمهوری اسلامی کارآمد می‌شود؟»، گفتگو با پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰ الف) «مبانی بیناذهنی‌تی هویت نظام ح.ا.ا»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰ ب) هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ریترگر، ولکر (۱۳۹۳) «رهیافت‌های تحلیل سیاست خارجی؛ الهام‌گرفته از نظریه‌های روابط بین‌الملل»، در کتاب مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی، نوشته علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زهرانی، مصطفی و صارم شیرواند (۱۳۹۶) «بررسی تأثیر فرهنگ استراتژیک بر سیاست خارجی فدراسیون روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۷، بهار ۱۳۹۶، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ستوده، محمد (۱۳۸۰) «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین‌الملل»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۰، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- سلطانی‌نژاد، احمد و محمدحسین جمشیدی و کوثر طوسی (۱۳۹۵) «جهاد اسلامی در روابط بین‌الملل از منظر شیعه امامیه و عدم تناسب آن با خشونت‌گرایی و تروریسم»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۵، تابستان ۱۳۹۵، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰) «تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی»، در کتاب فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ویراسته محمود عسگری، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۲) «تبیین‌پذیری رویکرد سیاست خارجی انقلاب اسلامی در پارادایم‌های اصلی روابط بین‌الملل»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۲، همدان: دانشگاه همدان.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۶) «نگرشی سازه‌انگارانه به هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۰) «عدم تعارض، بنیاد نگرش اسلامی به روابط بین‌الملل»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طباطبایی، سید محمد و سید امین حجازی (۱۳۹۵) «حفظ هویت اسلامی و امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۵، تهران: خصوصی.
- ظریف، محمدجواد و سید مهدی سجادی (۱۳۹۳) «صورت‌بندی گفتمان مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- قتربلو، عبدالله (۱۳۹۱) «فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۹۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۳) «تحلیل تکوین‌گرایانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۳، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قهرمانی‌نژاد، بهاء‌الدین و شهرام اسفندیار و میثم بلباسی (۱۳۹۴) «بررسی مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی در چارچوب فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران (با رویکردی بر دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای)»، فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴، تهران: مرکز مطالعات عالی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران.

قوام، عبدالعلی و مهدی جاودانی مقدم (۱۳۸۶) «بررسی سازه‌انگاره بنیادهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۶، تهران: خصوصی.

کاظمی، علی‌اصغر و ابراهیم آقامحمدی (۱۳۸۸) «ساخت‌یابی؛ رهیافتی تلفیقی در بررسی سیاست خارجی ایران»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۸، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

گودرزی، سهیل و احمد سلطانی‌نژاد و مصطفی زهرانی و محسن اسلامی (۱۳۹۶) «بررسی رابطه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در پرتو فرهنگ راهبردی»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۶، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

گوهری مقدم، ابودر و عباس ملکی (۱۳۸۱) «تصمیم‌گیری در سیاست خارجی؛ رهیافت تجربی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۱، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).

متقی، ابراهیم و علی آزرمی (۱۳۹۳) «گفتمان سیاست خارجی دهه چهارم انقلاب اسلامی (تعامل‌گرایی ضد نظام هژمونیک) از منظر تئوری سازه‌انگاری»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۳، همدان: دانشگاه همدان.

متقی، ابراهیم و زهره پوستین‌چی (۱۳۹۰) الگو و روند در سیاست خارجی ایران، چاپ اول، قم: دانشگاه مفید.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳) «سازه‌انگاری به‌عنوان فرانظریه روابط بین‌الملل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۵، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۳) فرهنگ سیاسی ایران، چاپ پنجم، تهران: فرهنگ صبا.

ملکی، عباس (۱۳۸۲) «فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۲، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

میتزن، جنیفر (۱۳۸۸) «امنیت هستی‌شناختی»، در امنیت بین‌الملل، نوشته مایکل شیهان، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ولی‌پور، سید حسین (۱۳۹۳) «تحول فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس»، فصلنامه پژوهشنامه دفاع مقدس، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

هالستی، کی‌جی (۱۳۷۳) مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

هرسیج، حسین و مریم سیدی (۱۳۸۶) «نقش قدرت مدنی در سیاست خارجی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

یزدانی، عنایت‌الله و رویا نژادزودیه (۱۳۹۲) «کاربست دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۲، همدان: دانشگاه همدان.

- Balamir, Bezen (2007) Does “Strategic Culture” Matter? Old Europe, New Europe And The Transatlantic Security. *Perceptions*, Summer-Autumn 2007.
- Biava Alessia, Margriet Drent And Graeme P. Herd (2011) Characterizing The European Union’s Strategic Culture: An Analytical Framework, *Journal of Common Market Studies*, Blackwell Publishing Ltd.
- Cain, Anthony (2002) Iran’s Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction, Air War College Maxwell Paper, No. 26, Alabama, Maxwell Air Force Base.
- Cook-Huffman, Celia (2009) »The Role of Identity in Conflict.« *Handbook of Conflict Analysis and Resolution*, Edited by Dennis J. D. Sandole, Sean Byrne, Ingrid Sandole-Staroste and Jessica Senehi. First published 2009. Routledge.
- Dehghani Firouzabadi, S. J. (2008) Emancipating Foreign Policy: Critical Theory and Islamic Republic of Iran’s Foreign Policy, *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XX, No.3.
- Dehshiri, M. R. & M.R. Majidi (2009) Iran’s Foreign Policy in Post-Revolution Era: A Holistic Approach, *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XXI, No.1-2.
- DeGroot, Mikaela and others (2008) Deconstructing Iranian Speech: A Strategic Culture Analysis. *Workshop in Public Affairs, International Issues Public Affairs*, 12 May 2008.
- Duncombe, Constance (2016) Representation, recognition and foreign policy in the Iran–US relationship. *European Journal of International Relations*, 2016, Vol. 22(3) 622 –645.
- Eisenstadt, Michael (2001) The Armed Forces of the Islamic Republic of Iran: An Assessment. *Middle East Review of International Affairs Journal*, Vol. 5, No. 1 (March 2001).
- Eisenstadt, Michael (2015) “The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Operational and Policy Implications”, *Middle East Studies, Marine Corps University*, August, No.1.
- Feng, Huiyun (2007) *Chinese Strategic Culture And Foreign Policy Decision-Making: Confucianism, leadership and war*, New York: Routledge.
- Giles, Gregory F. (2003) *The Crucible of Radical Islam: Iran’s Leaders and Strategic Culture. Know Thy Enemy: Profiles of Adversary Leaders and Their Strategic Cultures*, Editors Barry R. Schneider and Jerrold M. Post. July 2003.
- Gray, Colin S. (2006) *Out of the Wilderness: Prime Time For Strategic Culture*, *Comparative Strategic Cultures Curriculum*, october 2006.
- Haesebrouck, Tim (2016) ‘Explaining the Member States’ Varying Military Engagements: the Potential of a Strategic Culture Perspective’, *Journal of Contemporary European Research*, 12 (3), 774 - 781.
- Haji-Yousefi, Amir M. (2010) Iran's Foreign Policy during Ahmadinejad: From Confrontation to Accommodation. *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, Vol. 9, No. 2, Summer 2010.
- Knepper, Jennifer (2008) Nuclear Weapons and Iranian Strategic Culture, *Comparative Strategy*, Vol. 27, No. 5.
- Lantis, Jeffrey S. (2009) Strategic Culture and Tailored Deterrence: Bridging the Gap between Theory and Practice, *Contemporary Security Policy*, December 2009.
- Lebow, Richard Ned (2008) *A Cultural Theory of International Relation*, New York: Cambridge.

- Lauterbach, Toby (2011) Constructivism, Strategic Culture, and the Iraq War, ASPJ Africa & Francophonie - 4th Quarter 2011.
- McInnis, J. Matthew (2015) Iran's Strategic Thinking Origins and Evolution. American Enterprise Institute, May 2015.
- Meyer, Christoph O.(2004) Theorising European Strategic Culture Between Convergence And The Persistence of National Diversity, Cepsworking Document, NO. 204, June 2004.
- Mohammad Nia, Mahdi (2010) 'Understanding Iran's Foreign Policy: An Application of Holistic Constructivism, Alternatives, Turkish Journal of International Relations, Vol. 9, No. 1, Spring 2010.
- Mohammad Nia, Mahdi (2011) 'A Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy, International Journal of Business and Social Science, Vol. 2 No. 4; March 2011.
- Mohammad Nia, Mahdi (2012) Discourse and Identity in Iran's Foreign Policy. Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 3, No. 3, Fall 2012: 29-64.
- Moore, Russell (1998) Strategic Culture--How It Affects Strategic "Outputs", U.S. Marine Corps.
- Neumann, Iver B. & Henrikki Heikka (2005) 'Grand Strategy, Strategic Culture, Practice: The Social Roots of Nordic Defence' Cooperation and Conflict, Journal of the Nordic International Studies Association, Vol. 40(1): 5-23.
- Piet, Rémi and Licinia Simão (2016) Security in Shared Neighbourhoods Foreign Policy of Russia, Turkey and the EU, London, Palgrave Macmillan.
- Rahigh-Aghsan, Ali and Peter Viggo Jakobsen (2010) The Rise of Iran: How Durable, How Dangerous?., Middle East Journal, Volume 64, NO. 4, Autumn 2010.
- Rasmussen, Mikkel Vedby (2005) 'What's the Use of It?': Danish Strategic Culture and the Utility of Armed Forc,Cooperation and Conflict:Journal of the Nordic International Studies Association Vol.40(1):67-89.
- Rosa, Paolo (2014) 'The accommodationist state: Strategic culture and Italy's military behaviour, International Relations, 2014, Vol. 28(1) 88-115.
- Siddiqi, Hedayatullah (2016) 'Jihad and Madrasas Strategic Actors and Policy Domains in Islamic States: Analysis of the Strategic Cultures and Security Policies of Afghanistan and Pakistan, Doctoral Dissertation, Graduate School for International Development and Cooperation, Hiroshima University, March 2016.
- Stanley ,Willis (2006) The Strategic CUulture of The Islamic Republic of Iran. Advanced Systems and Concepts Office. 31 October 2006.
- Strain ,Frederick R. (1996) Discerning Iran's Nuclear Strategy: An Examination of Motivations, Strategic Culture, and Rationality, A Research Report Submitted To The Faculty In Fulfillment Of The Curriculum Requirement, 15 April 1996.
- Zarif, Mohammad Javad (2014) What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era. Foreign Affairs. May/June 2014.

